

۱۲۴۷۲۴

۱۳۹۵ / ۱۰ / ۱۱



جمهوری اسلامی ایران
رئیس جمهور

پیرخانه شورای نگهبان
۹۵/۱۰/۱۲
گه پرونده

« بسمه تعالی »

وزارت امور اقتصادی و دارایی

دراجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست « قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلواک به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات های پر درآمد » که در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ دوم آذرماه یکهزار و سیصد و نود و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱ به تایید شورای نگهبان رسیده وطی نامه شماره ۱۶۷/۷۷۹۶۱ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۷ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده، جهت اجرا ابلاغ می گردد.
با توجه به اصل یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اجرای مفاد موافقتنامه منوط به انجام تشریفات و ترتیبات مندرج در ماده (۲۷) موافقتنامه می باشد.

حسن روحانی
رئیس جمهور

رونوشت:

دفتر مقام معظم رهبری - دفتر رئیس جمهور - دفتر ریاست قوه قضائیه - دفتر ریاست مجلس شورای اسلامی - دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام - دبیرخانه شورای نگهبان - دفتر معاون اول رئیس جمهور - معاونت امور مجلس رئیس جمهور - معاونت حقوقی رئیس جمهور - وزارت امور خارجه - سازمان برنامه و بودجه کشور - دیوان محاسبات کشور - دفتر هیات دولت - دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت - امور توافقیهای بین المللی - معاونت امور تقنینی معاونت امور مجلس - معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی - اداره کل پیگیری طرح ها و لوایح - اداره کل اسناد و تنقیح قوانین مجلس شورای اسلامی - اداره کل تدوین قوانین مجلس شورای اسلامی - معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات نهاد ریاست جمهوری - سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران - روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران (جهت درج در روزنامه) ۱۳۹۵/۱۰/۷

شماره: ۱۴۷۷۷۹۴۱

تاریخ: ۹۵/۱۰/۰۷

پوست:

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر حسن روحانی
رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۵۲۸۵۸/۱۴۵۰۷۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۵ در اجرای
اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلواک به منظور
اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد
که با عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در
جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۵/۹/۲ و تأیید شورای محترم نگهبان، به
پیوست ابلاغ می‌گردد.

علی لاریجانی

**قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلواک
به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد
مالیات‌های بر درآمد**

ماده واحده- موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلواک به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد، مشتمل بر یک مقدمه و بیست و هشت ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.
تبصره ۱- هزینه‌های مالی موضوع بند (۳) ماده (۱۱) موافقتنامه، مجوز کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی‌شود.
تبصره ۲- در اجرای این موافقتنامه، رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷) و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران الزامی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

**موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلواک
به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی
در مورد مالیات‌های بر درآمد**

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلواک، که از این پس دولتهای متعاقد نامیده می‌شوند، با تمایل به انعقاد موافقتنامه‌ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد، به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱- اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها باشند.

ماده ۲- مالیات‌های موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه شامل مالیات‌های بر درآمد است که صرف‌نظر از نحوه اخذ آنها، از سوی یک دولت متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلی آن وضع می‌گردد.

۲- مالیات بر درآمد عبارت است از کلیه مالیات‌های متعلقه بر کل درآمد یا اجزای درآمد از جمله مالیات بر عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیات‌های موجود مشمول این موافقتنامه به‌ویژه عبارتند از:
الف- در جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد،

ب- در جمهوری اسلواک:

- مالیات بر درآمد.

۴- این موافقتنامه شامل مالیات‌هایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیات‌های موجود بوده و بعد از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاقد، یکدیگر را از تغییرات مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳- تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضاء نماید، معانی اصطلاحات به قرار زیر است:

الف- «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می‌شود.

ب- «جمهوری اسلواک» به جمهوری اسلواک اطلاق می‌شود و در مفهوم جغرافیایی به معنای قلمروی آن می‌باشد که جمهوری اسلواک حق صلاحیت و حاکمیت خود را مطابق قواعد حقوق بین‌الملل بر آن اعمال می‌نماید.

پ- «شخص» شامل شخص حقیقی، شرکت یا هر مجموعه دیگری از افراد می‌شود.

ت- «شرکت» اطلاق می‌شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می‌شود.

ث- اصطلاح «مؤسسه» در مورد انجام هرگونه کسب و کار به کار می‌رود.
ج- «مؤسسه یک دولت متعاقد» و «مؤسسه دولت متعاقد دیگر» به ترتیب به مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می‌گردد، اطلاق می‌شود.

چ- «حمل و نقل بین‌المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، وسائط نقلیه هوایی، جاده‌ای یا ریلی اطلاق می‌شود که توسط مؤسسه‌ای که محل

مدیریت مؤثر آن در یک دولت متعاقد است انجام می‌شود، به استثنای مواردی که کشتی، وسایط نقلیه هوایی، جاده‌ای یا ریلی صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در دولت متعاقد دیگر استفاده شود.

ح- «مقام صلاحیتدار»:

- در جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود.

- در جمهوری اسلواک به وزارت دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود.

خ- «تبعه» در ارتباط با یک دولت متعاقد اطلاق می‌شود به:

- هر شخص حقیقی یا شهروند دارای تابعیت آن دولت متعاقد؛

- هر شخص حقوقی، مشارکت یا انجمنی که وضعیت خود را از قوانین لازم‌الاجرای آن دولت متعاقد کسب نماید.

د- اصطلاح «کسب و کار» شامل انجام خدمات حرفه‌ای و سایر

فعالیت‌های دارای ماهیت مستقل می‌گردد.

۲- در اجرای این موافقتنامه هر زمان توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای به کار رفته در قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیات‌های موضوع این موافقتنامه است، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه‌ای دیگر باشد. معانی به کار رفته در قوانین مالیاتی آن دولت متعاقد بر معانی به کار رفته آن اصطلاح طبق سایر قوانین آن دولت ارجحیت دارد.

ماده ۴- مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به موجب قوانین آن دولت متعاقد، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل مدیریت، محل تأسیس یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت متعاقد و هر تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن خواهد بود. با وجود این، اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می‌شود.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی، مقیم

هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف- او فقط مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که در آن، محل

سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت متعاقد محل سکونت

دائمی در اختیار داشته باشد، فقط مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که در آن علائق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب- هرگاه نتوان دولت متعاهدی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت متعاهد، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، فقط مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد.

پ- هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، فقط مقیم دولت متعاهدی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد.

ت- هرگاه او تابعیت هیچ یک از دولتهای متعاهد را نداشته باشد یا به موجب بندهای پیشین نتوان وضعیت وی را تعیین کرد، مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاهد تلاش خواهند نمود مسأله را از طریق توافق دوجانبه حل و فصل نمایند.

۳- در صورتی که به دلیل مقررات بند (۱) این ماده شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، آن شخص، فقط مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که محل مدیریت مؤثر وی در آن واقع است.

ماده ۵- مقرر دائم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقرر دائم» به محل ثابت کسب و کاری اطلاق می شود که از طریق آن، کسب و کار یک مؤسسه کلاً یا جزئاً انجام می گیرد.

۲- اصطلاح «مقرر دائم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف- محل اداره،

ب- شعبه،

پ- دفتر،

ت- کارخانه،

ث- کارگاه، و

ج- معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، بهره برداری و یا استخراج از منابع طبیعی.

۳- اصطلاح «مقرر دائم» شامل موارد زیر نیز می شود:

الف- کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن یا نصب ساختمان یا

فعالیت های مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، ولی فقط در صورتی که بیش از شش ماه استقرار داشته باشد.

- ب- ارائه خدمات، از جمله خدمات مشاوره‌ای توسط مؤسسه یک دولت متعاقد یا از طریق کارمندان یا سایر کارکنانی که مؤسسه برای چنین منظوری به کار گرفته است، اما فقط چنانچه فعالیت‌های دارای این ماهیت در قلمرو دولت متعاقد دیگر در یک دوره یا دوره‌هایی ادامه یابد که مجموع آنها بیش از شش ماه در هر دوره دوازده ماهه باشد.
- ۴- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، مقر دائم شامل موارد زیر نخواهد بود:
- الف- استفاده از تسهیلات، صرفاً به منظور انبار کردن، نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه.
- ب- نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش
- پ- نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر.
- ت- نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه.
- ث- نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام یا سایر فعالیت‌هایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.
- ج- نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت‌های مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.
- ۵- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند (۶) است از طرف مؤسسه‌ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به طور معمول اعمال کند، آن مؤسسه در مورد فعالیت‌هایی که این شخص برای آن انجام می‌دهد، در آن دولت دارای مقر دائم تلقی خواهد شد مگر آنکه فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در این صورت آن فعالیت‌ها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرد به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقر دائم تبدیل نخواهد کرد.
- ۶- مؤسسه یک دولت متعاقد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق حق‌العمل‌کار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد،

در آن دولت متعاقد دیگر دارای مقر دائم تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد.
۷- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاقد، شرکت مقیم یا فعال در دولت متعاقد دیگر را کنترل می‌کند یا تحت کنترل آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهد (خواه از طریق مقر دائم و خواه به‌نحو دیگر) به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶- درآمد حاصل از اموال غیرمنقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاقد دیگر از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح «اموال غیرمنقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعهده‌ی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیرمنقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیرمنقول و حقوق مربوط به پرداخت‌های ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه‌ها و سایر منابع طبیعی از جمله نفت، گاز و معدن سنگ خواهد بود. کشتیها یا وسائط نقلیه هوایی به عنوان اموال غیرمنقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود.

۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مؤسسه نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷- درآمدهای تجاری

۱- درآمد مؤسسه یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دائم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاقد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر فعالیت نماید، آن مقر دائم در هریک از دو دولت متعاقد، دارای درآمدی تلقی می‌شود که اگر به صورت مؤسسه‌ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه‌ای که مقر دائم آن است به فعالیت‌های نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می‌توانست تحصیل کند.

۳- در تعیین درآمد مقر دائم، هزینه‌های قابل قبول که به منظور کسب و کار مقر دائم تخصیص می‌یابد از جمله هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های عمومی اداری کسر خواهد شد، اعم از آنکه در دولتی که مقر دائم در آن واقع شده است، انجام پذیرد، یا در جای دیگر.

۴- چنانچه در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقر دائم بر اساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) این ماده مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد، برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول مندرج در این ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرف آنکه مقر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می‌کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقر دائم نخواهد بود.

۶- از لحاظ بندهای پیشین درآمد منظور شده برای مقر دائم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مفاد این ماده خدشه‌ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸- حمل و نقل بین‌المللی

۱- درآمد حاصل بابت عملیات کشتیها، وسائط نقلیه هوایی، جاده‌ای یا ریلی در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.

۲- چنانچه محل مدیریت مؤثر مؤسسه کشتیرانی روی عرشه کشتی باشد چنین تلقی خواهد شد که محل مزبور در دولت متعاهدی قرار دارد که بندر اصلی کشتی در آن واقع است یا در صورت فقدان چنین بندری در دولت متعاهدی تلقی می‌شود که گرداننده کشتی مقیم آن است.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از عضویت در یک اتحادیه، کسب و کار مشترک یا نمایندگی فعال بین‌المللی نیز نافذ خواهد بود، لیکن فقط به آن قسمت از منافع حاصله که قابل انتساب به شریک به نسبت قدرالسهم آن در فعالیت‌های مشترک باشد.

ماده ۹- مؤسسات شریک

۱- در صورتی که:

الف- مؤسسه یک دولت متعاقد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشد، یا

ب- اشخاصی واحد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاقد و مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشند.

و در هر یک از دو مورد شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از این مؤسسات می‌شد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاقد درآمدهایی که در دولت متعاقد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاقد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند، و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت متعاقد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیل مناسبی به‌عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

ماده ۱۰- سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- مع‌ذک این سود سهام ممکن است در دولت متعاقدی که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت متعاقد نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که، مالک منافع سود سهام مقیم دولت متعاقد دیگر

باشد مالیات متعلقه از پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد. این بند تأثیری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می‌شود نخواهد داشت.

۳- اصطلاح «سود سهام» به‌نحو به‌کار رفته در این ماده اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام معادن سهام مؤسسان یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات) دیون، مشارکت در منافع و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولت متعاهد محل اقامت شرکت تقسیم‌کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دائم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور مؤثر مرتبط با این مقر دائم باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات ماده (۷) مجری خواهد بود.

۵- در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاهد، منافع یا درآمدی از دولت متعاهد دیگر تحصیل کند، آن دولت متعاهد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاهد دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با مقر دائم واقع در آن دولت متعاهد دیگر باشد)، و منافع تقسیم‌نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم‌نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت متعاهد دیگر تشکیل شود.

ماده ۱۱- هزینه‌های مالی

۱- هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاهد که به مقیم دولت متعاهد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۲- مع‌ذک، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده و طبق قوانین آن نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع هزینه‌های مالی مقیم دولت متعاهد دیگر باشد، مالیات متعلقه از پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح «هزینه‌های مالی» به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد، و به خصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۴- علی‌رغم مقررات بند (۲) این ماده، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که توسط دولت متعاقد دیگر، وزارتخانه‌ها، سایر مؤسسات دولتی، شهرداری‌ها، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت متعاقد دیگر می‌باشند، کسب می‌شوند، از مالیات دولت متعاقد نخست معاف خواهد بود.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دائم فعالیت شغلی داشته باشد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به طور مؤثر مربوط به این مقر دائم باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت مقررات ماده (۷) مجری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهد گردید که پرداخت‌کننده فردی مقیم آن دولت باشد. مع‌ذک، در صورتی که شخص پرداخت‌کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد و در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دائم بوده و پرداخت این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقر دائم باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور، در دولت متعاقد محل وقوع مقر دائم حاصل شده است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲- حق الامتیازها

- ۱- حق الامتیازهایی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.
- ۲- مع‌ذلک، این حق الامتیازها ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت متعاقد نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع حق الامتیاز مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه بیش از هفت و نیم درصد (۷/۵٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.
- ۳- اصطلاح «حق الامتیاز» در این ماده به هر نوع وجوه دریافت‌شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، نرم‌افزار یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می‌شود.
- ۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز حاصل می‌شود از طریق مقرر دائم، فعالیت شغلی داشته باشد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به‌طور مؤثری با این مقرر دائم ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت، مقررات ماده (۷) مجری خواهد بود.
- ۵- حق الامتیاز در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت‌کننده مقیم آن دولت باشد. مع‌ذلک، در صورتی که شخص پرداخت‌کننده حق الامتیاز (خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد) در یک دولت متعاقد دارای مقرر دائم باشد که حق یا اموال موجد حق الامتیاز به نحوی مؤثر با آن مقرر دائم ارتباط داشته و پرداخت حق الامتیاز بر عهده مقرر دائم مذکور باشد حق الامتیاز در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقرر دائم مزبور در آن واقع است.
- ۶- چنانچه به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق الامتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق یا اطلاعاتی که بابت آنها حق الامتیاز پرداخت می‌شود، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در این‌گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از

دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳- عواید سرمایه‌ای

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاقد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر می‌باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه)، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۳- عواید حاصل از نقل و انتقال کشتیها، وسائط نقلیه هوایی، جاده‌ای یا ریلی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، وسائط نقلیه هوایی، جاده‌ای یا ریلی، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.

۴- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) ارزش آنها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاقد دیگر تشکیل شده است، می‌تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.

۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) این ماده فقط مشمول مالیات دولت متعاقدی که انتقال‌دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴- درآمد حاصل از استخدام

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۵)، (۱۷) و (۱۸)، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه‌ای که مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت متعاقد می‌باشد مگر آنکه استخدام در دولت متعاقد دیگر انجام شود که در این صورت حق‌الزحمه حاصل از آن مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱) این ماده، حق‌الزحمه مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت متعاقد نخست خواهد بود مشروط بر آنکه:

الف- جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت متعاقد دیگر به سر برده است از صد و هشتاد و سه روز، در دوره دوازده ماهه ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می یابد تجاوز نکند، و

ب- حق الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود، و

پ- پرداخت حق الزحمه برعهده مقرر دائمی نباشد که کارفرما در دولت متعاقد دیگر دارد.

۳- علی رغم مقررات یادشده در این ماده، حق الزحمه حاصل در زمینه استخدام در کشتی، وسائط نقلیه هوایی، جاده ای یا ریلی مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی فقط مشمول مالیات دولت متعاقدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.

ماده ۱۵- حق الزحمه مدیران

حق الزحمه مدیران و پرداختهای مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره یا هر نهاد مشابه دیگر در یک شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می نماید، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

ماده ۱۶- هنرمندان و ورزشکاران

۱- درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا موسیقی دان، یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیت های شخصی خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می نماید، علی رغم مقررات مواد (۷) و (۱۴) مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیت های شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، علی رغم مقررات مواد (۷) و (۱۴) آن درآمد مشمول مالیات دولت متعاقدی می شود که فعالیت های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می گردد.

۳- درآمدی که هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیت های خود در چهارچوب موافقتنامه فرهنگی میان دو دولت متعاقد تحصیل می نماید از شمول مفاد بندهای (۱) و (۲) این ماده مستثنی می باشد.

ماده ۱۷- حقوق بازنشستگی

با رعایت مفاد بند (۲) ماده (۱۸)، حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد به ازای خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

ماده ۱۸- خدمات دولتی

۱- حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی توسط یک دولت متعاهد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام‌شده برای آن دولت متعاهد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود. مع‌ذلک، در صورتی که خدمات در دولت متعاهد دیگر و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت متعاهد انجام شود، این حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه فقط مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر خواهد بود، مشروط بر آنکه آن شخص:

الف- تابع آن دولت متعاهد بوده؛ یا

ب- صرفاً برای ارائه خدمات مزبور، مقیم آن دولت متعاهد نشده باشد.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱) این ماده، حقوق بازنشستگی و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی توسط یک دولت متعاهد یا از محل صندوق ایجاد شده از طرف آن دولت متعاهد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به فردی در خصوص خدماتی که برای آن دولت متعاهد یا تقسیم فرعی یا مقام مزبور انجام داده است، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود. مع‌ذلک، در صورتی که شخص مزبور مقیم و تبعه آن دولت متعاهد باشد، این حقوق بازنشستگی و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه فقط در آن دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات خواهد بود.

۳- در مورد حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه و حقوق بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده در خصوص فعالیت‌های تجاری که یک دولت متعاهد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن انجام می‌دهد مقررات مواد (۱۴)، (۱۵)، (۱۶) و (۱۷) مجری خواهد بود.

ماده ۱۹- مدرسان، محصلان و محققان

۱- وجوهی که محصل یا کارآموزی که بلافاصله قبل از حضور در یک دولت متعاهد مقیم دولت متعاهد دیگر بوده یا باشد و در دولت متعاهد نخست صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی حاضر باشد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاهد نخواهد

بود، مشروط بر آنکه پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از آن دولت متعاقد حاصل شود.

۲- همچنین، حق‌الزحمه دریافتی توسط مدرس یا معلمی که بلافاصله قبل از حضور در یک دولت متعاقد مقیم دولت متعاقد دیگر بوده یا باشد و در دولت متعاقد نخست به منظور تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره‌هایی که از دو سال تجاوز نکند حاضر باشد، از مالیات دولت متعاقد نخست معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از آن دولت متعاقد حاصل شود. مفاد این بند در مورد حق‌الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقیقات برای اشخاص و مؤسساتی که دارای اهداف تجاری می‌باشند، مجری نخواهد بود.

ماده ۲۰- سایر درآمدها

۱- ارقام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هرکجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیرمنقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت‌کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن به کسب و کار بپردازد و حق یا اموالی که درآمد در خصوص آن حاصل شده است با این مقر دائم به نحو مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) این ماده مجری نخواهد بود. در این صورت مقررات ماده (۷) اعمال خواهد شد.

ماده ۲۱- آیین حذف مالیات مضاعف

۱- در جمهوری اسلامی ایران:

الف- در صورتی که مقیم جمهوری اسلامی ایران درآمدی حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه در جمهوری اسلوواک مشمول مالیات شود، جمهوری اسلامی ایران اجازه خواهد داد مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در جمهوری اسلوواک از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود. مع‌ذک، در هر حالت اینگونه کسور نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر به آن درآمد تعلق می‌گرفته، بیشتر باشد.

ب- در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل توسط مقیم جمهوری اسلامی ایران از مالیات جمهوری اسلوواک معاف باشد،

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند علی‌رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقی‌مانده درآمد این مقیم، درآمد معاف‌شده را منظور کند.

۲- در جمهوری اسلوواک مالیات مضاعف به روش زیر حذف خواهد شد: جمهوری اسلوواک، هنگام وضع مالیات بر مقیمان خود، می‌تواند در پایه مالیاتی که اینگونه مالیات‌ها نسبت به آن وضع می‌شوند، اقلامی از درآمد را لحاظ کند که طبق مقررات این موافقتنامه در جمهوری اسلامی ایران نیز مشمول مالیات می‌شوند، اما اجازه کسر مبلغی برابر مالیات پرداخت‌شده در جمهوری اسلامی ایران را از مقدار مالیات محاسبه شده نسبت به آن پایه را خواهد داد. مع‌ذک این‌گونه کسور نباید از میزان مالیات قابل پرداخت در جمهوری اسلوواک که پیش از کسر متناسب با آن درآمد تعلق می‌گرفته و طبق مقررات این موافقتنامه در جمهوری اسلامی ایران مشمول مالیات بوده بیشتر باشد.

ماده ۲۲- عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر، مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزامات مربوط به آنکه سنگین‌تر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع آن دولت متعاهد دیگر تحت همان شرایط، به ویژه به لحاظ اقامت، مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی‌رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاهد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیاتی که از مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر اخذ می‌شود نباید از مالیات مؤسسات آن دولت متعاهد دیگر که همان فعالیت‌ها را انجام می‌دهند نامساعدتر باشد. این مقررات به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسؤولیت‌های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می‌نماید به اشخاص مقیم دولت متعاهد دیگر نیز اعطاء کند.

۳- به جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۹)، بند (۷) ماده (۱۱)، یا بند (۶) ماده (۱۲) اعمال می‌شود، هزینه‌های مالی، حق‌الامتياز و سایر هزینه‌های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر از لحاظ تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت متعاهد نخست پرداخت شده بود.

۴- مؤسسات یک دولت متعاهد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاهد دیگر می باشد، در دولت نخست مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگین تر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۵- علی رغم مقررات ماده (۲)، مفاد این ماده در مورد مالیات‌هایی از هر نوع و ماهیت نافذ خواهد بود.

ماده ۲۳- آیین توافق دوجانبه

۱- در صورتی که شخصی بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاهد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با مقررات این موافقتنامه نمی باشد، صرف نظر از طرق احقاق حق پیش‌بینی شده در قوانین ملی دولتهای متعاهد مزبور، می تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۲) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف مدت سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاهد دیگر موضوع را فیصله دهد. هرگونه توافقی که حاصل شود، علی رغم هرگونه محدودیت‌های زمانی موجود در قوانین داخلی دولتهای متعاهد اجراء خواهد شد.

۳- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دوجانبه فیصله دهند و همچنین می توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد می توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً با یکدیگر ارتباط حاصل کنند. مقامهای صلاحیتدار با مشورت یکدیگر، آیین‌ها، شرایط، روشها و فنون مقتضی را برای اجرای آیین توافق دوجانبه مندرج در این ماده فراهم می آورند.

ماده ۲۴- تبادل اطلاعات

- ۱- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجرای قوانین داخلی غیرمغایر با این موافقتنامه را که درخصوص مالیات‌های از هر نوع و ماهیت که توسط دولتهای متعاهد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلی آنها وضع شده باشد، مبادله خواهند کرد. مفاد ماده (۱) و (۲) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی‌شود.
- ۲- هر نوع اطلاعاتی که مطابق بند (۱) این ماده به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می‌شود، به همان شیوه‌ای که اطلاعات بدست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می‌شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد، و فقط برای اشخاص یا مقامات (از جمله دادگاهها و مراجع اداری) که به امر تشخیص، وصول، اجراء یا پیگیری اشتغال دارند یا در مورد پژوهش‌خواهی‌های مربوط به مالیات‌های اشاره شده در بند (۱) این ماده یا نظارت بر موارد فوق‌الذکر تصمیم‌گیری می‌کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یادشده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضائی فاش سازند.
- ۳- مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را وادار سازد:
 - الف- اقدامات اداری بر خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید.
 - ب- اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست.
 - پ- اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط‌مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.
- ۴- چنانچه یک دولت متعاهد اطلاعاتی را طبق مقررات این ماده تقاضا کند، دولت متعاهد دیگر از اقدامات جمع‌آوری اطلاعات خود برای کسب اطلاعات درخواستی استفاده می‌کند، اگر چه آن دولت متعاهد دیگر از حیث اهداف مالیاتی خود نیازی به این اطلاعات نداشته باشد. الزام مذکور در جمله قبلی تابع محدودیت‌های بند (۳) این ماده است، اما محدودیت‌های مزبور به هیچ‌وجه به مثابه

مجوزی برای یک دولت متعاقد برای امتناع از تأمین اطلاعات صرفاً به دلیل نبود منفعت داخلی نسبت به این گونه اطلاعات تعبیر نخواهد شد.

۵- مقررات بند (۳) به هیچ وجه به مثابه مجوزی برای یک دولت متعاقد در امتناع از تأمین اطلاعات صرفاً به دلیل حفظ اطلاعات نزد یک بانک، سایر مؤسسات مالی، نماینده یا شخص دارای جایگاه نمایندگی یا موقعیت امین یا به دلیل ارتباط اطلاعات مزبور با حقوق مالکانه نسبت به یک شخص تعبیر نخواهد شد. مقررات این بند زمانی لازم الاجراء خواهد شد که هر دولت متعاقد رسماً دولت متعاقد دیگر را از لازم الاجراء شدن اینگونه مقررات مطلع نماید.

ماده ۲۵- اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی

و مناصب کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالیاتی اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۶- محدودیت مزایا

هیچ یک از مفاد این موافقتنامه مانع از احراز ماهیت معامله از سوی هر دولت متعاقد نخواهد شد. چنانچه درآمد پرداختی یا حاصله با ترتیبات صوری مرتبط باشد مزایای موافقتنامه اعطاء نخواهد شد.

ماده ۲۷- لازم الاجراء شدن

این موافقتنامه طبق تشریفات قانونی داخلی دو دولت متعاقد تصویب و در اولین روز سومین ماه پس از دریافت آخرین یادداشت دیپلماتیک مبنی بر اتمام تشریفات قانونی داخلی قوت قانونی خواهد یافت. مفاد این موافقتنامه پس از آن به شرح زیر به مورد اجراء گذارده خواهد شد:

الف- در جمهوری اسلامی ایران:

- در مورد مالیات‌های تکلیفی، به آن قسمت از درآمد پرداختی یا اعتبار تخصیص یافته از تاریخ اول فروردین هجری شمسی برابر با ۲۱ مارس یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است؛

- در مورد سایر مالیات‌ها، به آنگونه از مالیات‌های متعلقه به هر دوره مالیاتی که از تاریخ اول فروردین هجری شمسی برابر با ۲۱ مارس یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است شروع می‌شود.

ب- در جمهوری اسلواک:

- در مورد مالیات‌های تکلیفی، به آن قسمت از درآمد پرداختی یا اعتبار تخصیص یافته از تاریخ اول ژانویه (یازدهم دی ماه) یا سه بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است؛
- در مورد سایر مالیات‌ها، به آنگونه از مالیات‌های متعلقه به هر دوره مالیاتی که از تاریخ اول ژانویه (یازدهم دی ماه) یا سه بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است شروع می‌شود.
ماده ۲۸ - فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ نشده لازم‌الاجراء خواهد بود. هر یک از دولتهای متعاقد می‌تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت کتبی فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره حداقل پنج‌ساله از تاریخی که این موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه به شرح زیر اعمال نخواهد شد:

الف- در جمهوری اسلامی ایران:

- در مورد مالیات‌های تکلیفی، به آن قسمت از درآمد پرداختی یا اعتبار تخصیص یافته از تاریخ اول فروردین هجری شمسی برابر با ۲۱ مارس یا سه بعد سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ تسلیم می‌شود؛
- در مورد سایر مالیات‌ها، به آنگونه از مالیات‌های متعلقه به هر دوره مالیاتی که از تاریخ اول فروردین هجری شمسی برابر با ۲۱ مارس یا سه بعد سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ تسلیم می‌شود.
ب- در جمهوری اسلواک:

- در مورد مالیات‌های تکلیفی، به آن قسمت از درآمد پرداختی یا اعتبار تخصیص یافته از تاریخ اول ژانویه (یازدهم دی ماه) یا سه بعد سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ تسلیم می‌شود؛
- در مورد سایر مالیات‌ها، به آنگونه از مالیات‌های متعلقه به هر دوره مالیاتی که از تاریخ اول ژانویه (یازدهم دی ماه) یا سه بعد سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ تسلیم می‌شود.

در تأیید مراتب فوق، امضاء کنندگان زیر که به طور مقتضی مجاز می‌باشند، این موافقتنامه را امضاء نمودند.

این موافقتنامه در تهران در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ هجری شمسی برابر با ۲۰۱۶/۱/۱۹ میلادی در دو نسخه اصل به زبانهای فارسی، اسلواک و انگلیسی تنظیم گردید. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف
جمهوری اسلواک
پینتر کاژیمیر
وزیر دارایی

از طرف
جمهوری اسلامی ایران
علی طیب‌نیا
وزیر امور اقتصادی و دارایی

قانون فوق مشتمل بر ماده‌واحد و دو تبصره منضم به متن موافقتنامه، شامل مقدمه و بیست و هشت ماده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ دوم آذرماه یکهزار و سیصد و نود و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در

تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱ به تأیید شورای نگهبان رسید. /ص

علی لاریجانی